



### اعلامیه حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه درباره دیدار رئیس جمهور فرانسه از چین

چنانکه خوانندگان گرامی میدانند رئیس جمهور فرانسه، پمپیدو، در اوایل ماه سپتامبر به چین مسافرت کرد. هیئت سیاسی حزب کمونیست مارکسیست لنینیست فرانسه باین مسافرت اعلامیه‌ای داد که حاوی تحلیل بسیار مهمی است و ما آن را در این نظر خوانندگان گرامی میگردانیم:

"هیئت سیاسی حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه مسرت خود را از این مسافرت رئیس جمهور فرانسه ابراز میدارد و این واقعه را خدمت بزرگ حزب کمونیست و خلق چین به امر انقلاب جهانی میشارد.

نخست باید گفت که این دیدار رئیس یک دولت اروپای غربی از چین در دایره همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای دارنده سیستم های اجتماعی مختلف و بر مبنای پنج اصل همزیستی مسالمت آمیز صورت میگیرد. این گونه روابط از سال ۱۹۶۴ بین فرانسه و چین برقرار است و تحکیم آنها امر مثبتی است.

اما جنبه اساسی این دیدار رسمی را نمیتوان از موقعیت بین المللی کنونی، از مواضع جمهوری توده‌های چین و منشی او و از روش فرانسه در این مورد، جدا کرد.

در جهان کنونی، دو ابر قدرت یعنی اتحاد شوروی و آمریکا، هر کدام قوای نظامی عظیمی فراهم آورده‌اند، دامیه تقسیم جهان را دارند و در همین حال که بر سر احراز سرکردگی با یکدیگر بر رقابت شدید مشغول اند از هر سو بتوسعه مناطق نفوذ خویش مبادرت میجویند.

این سیاست دو ابر قدرت مذکور چیز دیگری جز سیاست امپریالیستی نیست؛ این دو ابر قدرت در مورد هر کشوری که در دایره استعماری و یا نو استعماری آنها نیست به سیاست ارض دست میزنند، خرابکاری میکنند، اجحاف روا میدارند، توطئه بر می انگیزند تا آنکه حکومت هائی مزدور خویش بر سر کار آورند؛ امپریالیست های آمریکائی در این زمینه آزما پش های فراوان کرده و مشهور جهانیان اند. بتقلید آنها بود که سوسیال امپریالیست های شوروی در پنج سال پیش بر چک اسلواکی عیوش بردند و مستقیماً بتهاجم بر پاکستان یاری دادند و دولت پوئالی بنگا در زرا که تحت سیطره بورژوازی ارتجاعی هند است ساختند، و با کودتای نا موفق سودان را برپا کردند.

این سیاست امپریالیستی آمریکا و اتحاد شوروی با اعتدال روز بروز سهمگین تر گلیه کشورهای و گلیه خلق ها روبرو شده است. دشواری های اقتصادی دو ابر قدرت مذکور روز افزون است و این امر بناچار آنها را وامیدارد که به تجاوزکاری های تازه و بمباران های پر خشم و کین برای تجدید تقسیم جهان دست بزنند.

اینک اروپا بصورت عرصه مهم مبارزه دو ابر قدرت در آمده است.

آمریکا همچنان " متحدان " خود را سخت تحت فشار میگذارد و میخواهد اوازم اقتصادی خویش را بر کشورهای اروپا تحمیل کند تا بحران عظیمی را که گریبانگیر اوست برگرداند آنها بیندازد.

سوسیال امپریالیسم شوروی که هنوز باندازه آمریکا ضربه دست خلق ها را نچشیده نیروی نظامی خود را بسیار افزایش داده است و عملاً بنام قانون زورگوشی خواستار تجدید تقسیم جهان است و دامیه دارد که امپراتوری خویش را در اروپا گسترش دهد. به همین منظور رهبران امپریالیست مسکو تعداد

موشک های اتی خود را که بسوی اروپای غربی توجیه شده به ۷۰۰ رسانیدند و لایق ۱۰۰ تا از آنها متوجه فرانسه است و تعداد تانک های خود را در جمهوری دموکراتیک آلمان تا ۱۰۰۰ بالا بردند و بناوگان خود را در مد پترانسه به میزان عجیبی افزایش داده اند.

در موقعیت کنونی بین المللی که بسیار مساعد است و شاخص آن عبارتست از گسترش جوشان مبارزات کشورهای در راه استقلال و ملت ها در راه رهائی و خلق ها در راه انقلاب، بعقیده هیئت سیاسی حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه تشکیل وسیع ترین جبهه واحدی که بطور عمده بر علیه سیادت جهانی دو ابر قدرت باشد و گلیه تضاد های اردوی امپریالیستی را مورد استفاده قرار دهد و تشدید کند. حائز اهمیت فراوانی است.

هیئت سیاسی حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه باتا کید اینکه در کشور ما تفا بعد بین بورژوازی پرولتاریا، بین مشتی از سرمایه داران انحصاری و توده خلق است بعقیده دارد که سیاست خارجی حکومت کنونی حاوی جنبه های مثبتی است که از آن جمله است اراده حفظ استقلال ملی.

معدنک مارکسیسم لنینیسم بامی آموزد و تجربه ثابت میکند که پرولتاریا و جملہ خلق کشور ما هرگز نباید در دفاع بیکر از استقلال ملی به بورژوازی انحصاری اعتماد کنند. فقط طبقه کارگر، یعنی طبقه پیش آهنگ، تحت رهبری ستاد مارکسیستی - لنینیستی خود، میتواند از عهده چنین وظیفه تاریخی بر آید.

به همین علت حزب کمونیست مارکسیست لنینیست فرانسه عقیده دارد که افتاء مشی شوئی که رهبران روز نویست حزب کمونیست فرانسه میان توده طبقه کارگر و توده های دیگر تبلیغ میکنند تا خلق ما را افعال کنند و کشور ما را بصورت طعمه سهل الوصول در آورند حائز اهمیت فراوانی است.

این مشی ظاهراً صلح جویانه که در روزگاری که امپریالیسم باقی است از ورود جهان بدوران صلح دم میزند مشی است در خدمت دو ابر قدرت و بویژه در خدمت سوسیال امپریالیسم شوروی.

پاسیفیسم در مانده و عاجز فلان گروه " چپ " و نظریات ضد نظامی گری تجریدی و بدون پرتسب برخی از گروه های ترسکستی به همین نتیجه منجر میشود.

رهبران حزب کمونیست فرانسه بنام این مشی ضد انقلابی ها و عمال امپریالیسم است که جنبه اساسی دیدار پمپیدو از چین را محکوم میکنند.

ما یقین داریم که این مشی در اثر اعتلاء آگاهی طبقه پرولتاریا و توده های خلق کشور ما از شکستی به شکست در یکدیجا خواهد آمد. ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۳

برید بهاد... بقیمای صفحه ۱  
نظیر جنگ ویتنام در منطقه ظفار براه انداخته و محمدرضا شاه بیاری او و سلطای عمان ارتش فرستاده ساکت است و از این حقیقت که محمد رضا شاه و عربستان سعودی پانچداران منافع آمریکا در خلیج فارس البته میگریزد. در افتادن او با سوسیال امپریالیسم شوروی در زمینه همین پاسداری است.

اتفاقاً این روزها که رقابت امپریالیست های شوروی و آمریکا در خلیج فارس بالا گرفته مصاف با جبهه و شصتمین سالگرد یکی از مهترین بر خورد های استعمار با کشور ما است. سالگرد انعقاد قرارداد ننگین گلستان ( ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ ) این قرارداد در دنباله آن، ترکمانچای، نمودار و مظهر تجزیه کشور ما از طریق مداخلات نظامی است. در آن روزگار،

تزاریس روس و استعمار انگلستان، از شمال و جنوب، بنام جلوگیری از یکدیگر و هر کدام بهبانه تجاوز طرف دیگر، میهن ما را لنگ کوب میکردند و حکومت فاسد ایران هر روز بنام یکی از آنها میرقصید و یک بار نیز به ساز استعمار فرانسه.

بجاست که از یاد کرد این حوادث درس گرفته شود. از آن تاریخ صد و شصت سال گذشته است. در این مدت در روسیه که لنین کبیر آن را زندان ملل میخواند انقلاب سوسیالیستی روی داد، بساط امپریالیسم و استعمار بر افتاد، خلق ها و منجمله آنها که زنجیر قرارداد گلستان و ترکمانچای را بر گردن داشتند آزاد شدند، و کشور ما از جانب شمال بدیوار استوار دوستی و برادری تکیه داد، و آن شاعر آزاده از زبان خلق ایران گفت: " بلشویک است خضر راه نجات ". اما از آنجا که

جاده تاریخ هموار و سراسر نیست با کودتای روز نویست ها در شوروی، کشور مذکور یک مرحله تاریخی بعقب کشیده شد و دوباره تزاریس روس با همان خشونت معروف و با نیروی به مراتب عظیم تر در برابر خلق های شیفته آزادی سر بلند کرد. ظفا تزاریس که تا بچ های قطب شمالی و اقیانوس آرام پیشتر تاخته و چشم به آب های گرم خلیج فارس دوخته و در این حسرت مرده بود اینک گاز سواحل خلیج را میخیزد، کشتی گاه صید ماهی در خلیج دارد، کشتی های جنگی برای باز دید دوستانه، بنیاد خلیج میفرستد، در خاور میانه صاحب نفت است و میخواهد آن را از راه خلیج بیرون ببرد، بهر گوشای از ممالک خلیج سر میگذرد، با راهزن دیگری بنام امپریالیسم آمریکا گاهی در سازش و معامله است و زمانی در رقابت و مبارزه.

اما این مرده تاریخی بهبودی از گور خود برخاسته است. دروان تزارها سپری شده است، سرنوشت ایران در دست محمد رضا شاه نیست تا بتواند خدا را بدیده را چاپید. در وقت خلق ایران است. خلق ایران حکومت محمدرضا شاه، اینست مخلوق امپریالیسم آمریکا، را که اکنون میخواهد از رقابت امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی برای عوام خلق و تظاهر بدفاع از میهن استفاده کند خوب می شناسد. آن کس که میهن ما را قطعه قطعه و یکجا به امپریالیست ها و بویژه امریکائی ها فروخته است هویت دیگری جز مباحث آنها ندارد.

البته ما تضاد میان امپریالیست ها زرا و بویژه میان دو ابر قدرت را مثبت میشاریم و معتقدیم که جنبش ضد امپریالیستی ایران و جهان از این تضاد روز افزون برای ضربه زدن بسر دشمن فائده خواهد برد. ولی این بهره برداری در صورتی امکان پذیر و انقلابی است که در شناخت ماهیت امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و حکومت محمدرضا شاه هیچگونه ابهامی در کار نباشد.

تسلیمات محمدرضا شاهی در درجه اول بر علیه خلق ایران و سایر خلق های خلیج فارس و خاور میانه است. مبارزه برای سرنگونی حکومت محمدرضا شاه مبارزه ای است برای نجات خلق ایران از امپریالیسم و استعمار و برای همبستگی با همه خلق های برادر خاور میانه.

دست امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی از خلیج فارس کوتاه!

آنها مانند نمونه های دیگری که هر چند گاه بیکار اراعه داده می دهند جز کوششی برای ضحرف ساختن توده ها از راه انقلاب نبود. رادیوی بیک ایران در یکی از مرتبه خوانشی های خود این فکر " دامیانه " را ابراز داشت که " بزور نمیتوان چرخ تاریخی را بعقب برگردانید " اما بعلت خصلت ضد انقلابی خود عسدا فراموش کرد اضافه کند که جز با قهر انقلابی چرخ تاریخ را نمیتوان به پیش براند.

شیلی... بقیمای صفحه ۱  
شکری از خود نشان داد. به علاوه طی رخم رفورم ارضی و ملی کردن چند موسسه صنعتی بزرگ و متوسط اهرمهای اقتصادی را از چنگ دشمن بیرون نکشید.

بدیهی است که از طریق " قانونی " میخواهد بسوسیالیسم برسد طبیعتاً در فکر تدابیر جدی برای مقابله با دسائیس ارتجاعی نیست، به بسیج توده ها و مسلح کردن آنها برای جلوگیری از حمله و هجوم ارتجاعی پرداخت. حتی موقعی که کودتای نخست ارتجاعی بوقوع پیوست و بناگامی انجامید. اقدام بکودتا تازه ای بر همه کس معلوم بود. یاز هم آئنده بر آن بود که کودتا نخواهد شد و ما از جنگ داخلی اجتناب خواهیم کرد. چند روز بعد کودتا عیالی شد و هزاران قربانی گرفت و هنوز هم بیگانه راهی که خلق دلیر شیلی را به مصیبت عظیم کنونی کشا همان است که کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی بسرکردگی خائن بیمانند خروشوف بنام راه پارلمانی به پیش آورد و تا امروز از جانب احزاب مرتد و روز نویست نظیر حزب " کمونیست " فرانسه و ایتالیا با سماجت تبلیغ میشود و عواقب خونین برای خلق های جهان داشته و دارد.

روز نویست ها در سراسر جهان از همان آغاز کار شیلی را بعنوان راه مسالمت آمیز انقلاب اراعه دادند و در پیرامون آن هیاهوی برپا داشتند. امروز پس از گذشت سه سال بالاخر این واقعیت سرسخت و غم انگیز در برابر ما است که این نمونه

### بر این خوان یغما

" بر اساس برنا مقدیاتی که برای اکتشاف مسود معدنی پویوه فلزات ترنکین در کایه ۵ مناطق سیستان بلوچستان و جنوب خراسان تهیه گردیده ۱۰۰ میلیون تومان اعتبار در نظر گرفته شده است. برای اجرای این برنا ۴۰ تا ۵۰ هزار متر مربع زمین ۷ مهندسه تقسیم شده که مریت بین ۴۰ تا ۵۰ هزار متر مربع است دارد. در تهیه و اجرای این برنا ۵۰ مؤسسه و کارشناسان امریکائی، کانادائی، یوکوسئی، فرانسوی و انگلیسی مشارکت خواهند کرد. " کیهان ۱۷ شهریور ۱۳۵۲  
بر این خوان یغما همه دشمنان!

ظفر مندیاد... بقیه از صفحه ۴ تجربه بخشد. روزهای حمله اسرائیل به اعراب همین خصوصیت را داشت. مهمترین نتیجه‌ای که از حوادث اخیر خاور میانه حاصل شده نه پیروزی اسرائیل است و نه شکست اعراب و نه بندوبست‌های آمریکا و شوروی. اینها پدیدینه‌های گذرا و سپنجی است. آنچه پایدار است و در روز بروز تکامل خواهد یافت تحولی است که در اثر این حوادث در ذهن افراد آگاه خلق‌های عرب و خلق‌های سراسر جهان بوجود آمده و خواهد آمد. مسدود دیر یا زود موجب تحول اوضاع سیاسی خاور میانه خواهد شد... خلق‌های عرب روز بروز بهتر در میانه دنیا قرار می‌گیرند. مگر از مبارزه قضی و فیزیکی بر علیه امپریالیست‌ها و کماشکنان آنها رها نمی‌شوند. خلق چین، خلق ویتنام، خلق الجزیره و نظائر آنها پیوسته‌اند»

در عرض این شش سال روزیونیت‌های شوروی بسیار کوشیدند که در سایه تاریخی جنگش روزها از غاصب خلق‌های عرب بزدا بزند. فعلا ما ۱۰۰ پورتونیتی نو امبر ۱۹۷۷ را که حقوق خلق فلسطین را نادیده می‌گیرد و غلوه‌های عرب را بسود اسرائیل بمذاکرات تبدیل می‌کند فرامی‌خواند. بهمدانسانی با امپریالیسم آمریکا از شعور یا امنیت سازمان ملل گذرانند. از یک سو مشکلات اقتصادی و سیاسی و فنی ما را عربی و وسیله نفوذ در این کشورها ساختند و از سوی دیگر دول عربی را از مقابله بمثل با اسرائیل و توسل با سلطه‌بازان زدافتند. بر سر تحولی که در معرض با دول عربی جا نه‌زند. تک‌دار حالت "نه جنگ نه صلح" شدند. ولی نیروی که در خلق‌های عرب بغا طررها می‌سوزد همین خویش، شکستن زنجیر اسارت صهیونیستی، نیل با زادی و سر بلندی می‌زند. قویتر از آنها ما شوم روزیونیت‌ها بود و سرانجام به‌استادگی دولت‌های عربی و تعرض متقابل آنها منتهی گردید. البته امپریالیست‌های آمریکا نمی‌توانند که میلیاردها سرمایه و اسلحه در اسرائیل ریخته‌اند از تقویت همه‌جا نبه دولت صهیونیستی رانند. بستانند! بستانند! تپانیه‌های سیاسی و پشت پرده آنان با روزیونیت‌های شوروی نیز از هم اکنون بصورت مبادله پیام‌ها بین نیکسون و برونوف و غیره آغاز شده است. (جالب توجه است که روز ۹ اکتبر در کرمات کرم نبرد اسرائیل و اعراب ۱۵۰ تن دیگر از یهودیان شوروی وارد فرودگاه تل‌آویو گردیدند تا ارتش صهیونیستی و پشت جبهه آنها را باری دهند). ولی تجربه بزرگ و آه‌آه و بی‌تعمد در جلوی خلق‌های عرب است. جنگش روزیونیت‌ها و غیره از آن جهت که از آنها آرزوی آزادی و قداکاری سربازان عرب و قدا ثبات فلسطینی بوده است. جنگش روزیونیت‌ها از جهت که دروغین اسرائیل را ناچار در هم شکسته است. مجامعی که در پیشگاه و کار آمریکا در ویتنام بچنان شکست فزاینده‌ای دچار می‌شود حال ارتش رهازن اسرائیل در جلوه خلق‌های عرب نمیتواند به‌زبان باشد. تردیدی نیست که اگر خلق‌های عرب با ایمان پلزم مقاومت مسلحانه بر نیروی خود تکیه کنند و پیوسته دام دیپلماسی امپریالیستی و روزیونیتی گرفتار نیابند. جنگ عادلانه آنها جز پیروزی فرجام دیگری نخواهد داشت.

خلق ایران با جان و دل از خلق‌های عرب بردار و عرب پشتیبانی میکند و رژیم پیروزی کامل آنهاست. شکسته با دیده صهیونیسم. ظفر مندیاد جنگ عادلانه خلق‌های عرب. بفرزد صهیونیسم و امپریالیسم.

### حوادث کار

روزی نمیکرد که حوادث فراوان کار در کارگاهها و کارخانه‌ها و بیوزده کارخانه‌ها در حال ساختمان باعث نقی اعضا و بیامورک غده‌ای از کارگران نکرده. هیچ مصونیتی و پاداشی از این جهت برای توده کارگران وجود ندارد و غیر حوادث مذکور بندرت در روزنامه‌ها انعکاس می‌یابد. مجله تهران اکونومیست مینویسد: فقط در هفته ۲۰ تا ۲۷ مرداد حوادث کار در تهران عیار بود از "قض دست‌بند کارکرد یکی از کارخانجات قوی سازی، قطع چهار انگشت یک کارگر دیگر در کارگاه نیکین سازی و همچنین قطع انگشتان و کارکرد در کارگاه‌های شستنی سازی و پختنی سازی".

بر این واقعتا فاه کتید که در سه ماهه اول سال جاری تصادفات متقاضیان کار به‌برابر محل‌های خالی نقل بوده است تا مجسم شود که ما فنی به کارگزاران و سرمایه‌داران کلان و وابسته با امپریالیسم چگونه روبرو فزونی است.

فرمان... بقیه از صفحه ۴ سیاسی نیز چون باعث میشود که دانشجویان بر علیه استعمار و استبداد موضع‌گیری کنند و از طرف سازمان امنیت شناخته شوند. جایسی در کفدراسیون ندارد. باقی میماند مسائل صنفی. اما در پیش روی محمد رضا شاه کد ام مسئله صنفی است که در ارتباط با نزدیک و مستقیم با مسائل حاد سیاسی نباشد؟ طرح دموکراتیک کد ام مسئله صنفی است که برای رژیم قابل تحمل باشد و دانشجویان را که بمنظور حل آن مبارزه کنند مورد تعقیب قرار ندهد؟ آن چه روزیونیت‌ها میطلبند در واقع تنزل کفدراسیون به فقهی موضع‌گیری در مسائل دانشجویی و صهیونی و ضد امپریالیستی است.

روزیونیت‌ها آشکارا میگویند که "تظاهرات علفی (مگر تظاهرات صنفی هم وجود دارد؟) ضد رژیم و نظائر آن نیز چون موجب شناخته شدن دانشجویان مبارز میشود امر مضر است". روشن است که تظاهرات کفدراسیون بر ضد رژیم ضد ملی و دست‌نشانده ایران بپوزه در شرایط خفقان شدید کتونی نقش بزرگ در کمک به خلق مبارز ایران دارد و مایه افتخار کفدراسیون است. اینک روزیونیت‌ها صریحا میطلبند که تظاهرات کفدراسیون در افشا رژیم ایران قطع شود. منظور آنها تنزل کفدراسیون به بحرکتی کامل و یا حرکت در مسیر سازمان‌های شبه‌ساخته است.

روزیونیت‌ها اظهار نظر میکنند که کفدراسیون دانشجویان در خارج از کشور نیز باید اساسا به فعالیت صنفی محدود شود و "فعالیت علفی را گروه کوچکی که شناخته شده‌اند و فعلا بازگشت آنها با ایران مطرح نیست میتوانند. سازمان دهند و بهیچ وجه نیازی به شرکت علفی توده‌های وسیع دانشجویی در بحث‌ها، فعالیت‌ها و تظاهراتی که منجر به شناخته شدن آنها از طرف سازمان امنیت میشود نیست". از این مغلطه کاران باید بپرسید که اگر هرگونه تظاهرات دانشجویی باید ترک شود و اگر "بهیچ وجه نیازی به شرکت علفی توده‌های وسیع دانشجویی در بحث‌ها، فعالیت‌ها، تظاهرات و تظاهرات نیست پس آن گروه کوچک مورد نظر شما که فعالیت علفی را سازمان خواهند داد؟ اصولا هدف هر سازمان صنفی که نخواهد به عده‌های توطئه‌گر محدود باشد نیل به جلب توده‌ها و گسترش فعالیت علفی آنهاست (مانند اعتصابات، تظاهرات اجتماعات... تا قیام و انقلاب) و اگر این هدف منطقی کرد دیگر چه نیازی به سازمان صنفی است؟ رژیم‌های استبدادی عموما حزب رهبر و رهبران در حالت صنفی بسر می‌برند و فعلا توده‌ها و نهضت آنها علفی است ولی در طرح پیشنهادی روزیونیت‌ها فعالیت و نهضت توده‌ها صنفی است (یعنی منطقی است) و "گروه کوچک" سازمان‌دهندگان علفی!

این استدلال که تظاهرات کفدراسیون موجب شناخته شدن دانشجویان میگردد و بنا بر این باید متروک شود در شرایط درون کشور نیز صادق است، و بطریق اولی صادق است و روزیونیت‌های حزب توده ایران اگر چه سرمقاله این شماره را منافقانه به "درد پرشور به دانشجویان مبارز ایران" و "تظاهرات دانشجویان تهران بمناسبت ۱۶ آذر" اختصاص دادند در واقع با استدلال خود محکوم ساختن آن برخاسته زیرا که بعد از هر یک از این تظاهرات نیز ده‌ها و صد‌ها نفر از دانشجویان دستگیر میشوند، در نزد سازمان امنیت "سو" سابقه پیدا می‌کنند، گرفتار حبس و شکنجه میگرددند و چه بسا که سالها در زندان میمانند.

روزیونیت‌ها بنا بر این توتونیم ذاتی خویش در کتونی که اگر سازمان امنیت هر تظاهرنمندی را مورد "سو" ظن و تعقیب قرار میدهد راه مبارزه با او سد کردن پیگرد های او ترک تظاهرات نیست بلکه توسعه تظاهرات است. هر چه تظاهرات پر دامنه تر باشد سازمان امنیت دشوار تر میتواند آن روبرو شود و دشوار تر میتواند رهبران تظاهرات را بیابد و دست چین کند.

روزیونیت‌ها عموما شیوه کار سازمان توده‌های را با شیوه کار احزاب سیاسی مخلوط و شسته میسازند و از یاد می‌برند که تلفیق کار صنفی با کار علفی، پوشاندن کارها و چگونگی استفاده از آنان در داخل کشور از وظائف مهم خود احزاب سیاسی است.

در باره برخی... بقیه از صفحه ۴ با ماجراجویی دچار سازند کسانی نیز پیدا میشوند که به حرکت آرام و یک نواخت سازمان توده‌های خرسند اند و در آن گهواره بخواب میروند و سازمان توده‌های را بدست بیجگرکی و بی اثرگی میسازند. بهرین از این دو افراط کار آسانی نیست.

و اما نکته دیگر: حزب طبقه کارگر بخوبی میداند که حالت قانونی برای او حالت قابل اعتمادی نیست و هر روز در معرض آنست که از طرف حکومت غیر قانونی اعلام شود. از اینجهت پیوسته آماده صنفی شدن و سر بزیر آب کردن است و این کار از او، به مثابه "بخش کوچکی از طبقه کارگر، مجمع آگاه ترین و پیشروترین عناصر طبقه کارگر، بر می‌آید. در اینجا نیز نباید سازمان توده‌های را که در برگیرنده تمام یا اکثریت بزرگ طبقه کارگر و با طبقات و قشرها و گروه‌های دموکراتیک دیگر باید باشد و عقب مانده ترین عناصر را با خود بکشد با حزب یکسان ساخت. سازمان توده‌های باید از آخرین قطرات قانونیت استفاده کند. البته، برخلاف آنچه روزیونیت‌ها و سایر اپورتونیت‌ها تبلیغ میکنند، ضامن ادامه قانونیت سازمان توده‌های مبارزه او سایر سازمان‌های دموکراتیک و احزاب سیاسی است. هر چه این مبارزه وسیع تر باشد امکانات حکومت در حمله بر سازمان توده‌های کم تر خواهد بود. ولی خطاست اگر سازمان توده‌های در عین حال، استفاده از آخرین قطرات قانونیت را از یاد فروگرداند.

بطور خلاصه، کار در سازمان‌های توده‌های کاری است بسیار دشوار و فرنج که باید خالی از هرگونه الگوسازی و سرشار از انواع ابتکارات باشد. بگذار روزیونیت‌ها و سایر قتنه انگیزها فعالان صدیق سازمان‌های توده‌های را بر سر این بیان اشتباه بیاد افترا و اتهام و تسخر بگیرند. تردیدی نیست که معتقدان به مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه مائو-تسه دون و وفاداران به منافع خلق، روز بروز بهتر فن کار در سازمان توده‌های را خواهند آموخت.

تجربه چند سال اخیر بخوبی نشان داده است که تظاهرات پر خشم و کین رژیم کودتا بر کفدراسیون نتوانسته است توده دانشجویان را موعوب سازد و آنان در طی مبارزه روز بروز بیشتر به هدف‌ها و فعالیت‌های کفدراسیون جلب شده و حاضر به فداکاری گشته‌اند. وظیفه انقلابیون ایران تشویق و ترغیب دانشجویان در این راه است نه باز نس کشیدن آنها. روزیونیت‌های حزب توده ایران در پایان مقاله خود بیکاره نقاب بر گرفته و نوشته‌اند: البته بدروغ نوشته‌اند که "اکثریت دانشجویان بیش از پیش به ماهیت انحرافی صنفی مسلط بر کفدراسیون پی می‌برند و میگویند از آن فاصله بگیرند". و آنگاه افزودند: "بر دانشجویان آگاه و مترقی است که به این دانشجویان کمک کنند تا این گرایش هر چه سریع تر و هر چه عمیق تر... به مرحله قضی برسد".

باین طریق روزیونیت‌ها همگان را به خروج از کفدراسیون و انحلال آن دعوت کرده‌اند، دعوتی که ابتکارش با سازمان امنیت بوده است! در واقع مقاله روزیونیت‌ها تکلیف است بر قرارهای غلاظ و شدد رژیم کودتا بر علیه کفدراسیون! در برابر اتحاد نامقدسی که روزیونیت‌ها و سازمانی امنیت بر علیه کفدراسیون ترتیب داده‌اند. وظیفه کلیه نیروها انقلابی و دموکراتیک ایران دفاع از کفدراسیون بتقویت مشی توده‌های آن، تحکیم و توسعه سازمان‌های آن، گسترش فعالیت آن، و افزایش اعضا آن است! باید ارباد پیوند بیکار جوانه دانشجویان ایران در زیر رهبری کفدراسیون!

عنوان مکاتبات  
X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی  
X GIOVANNA GRONDA  
CONTO. 17549/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO/ITALY

## پیروز باد جنگ توده‌های خلق فلسطین و ظفار

«نظم نوین»

نظم نوین نظمی است که سرمایه داران وابسته با میریایسم برای تشدید استثمار کارگران و زحمتکشان ایران پیشنهاد میکنند و در واقع همان نظم کهنه ای است که امپریالیسم در سراسر قلمرو خویشی آزمایش کرده است.

امپریالیست ها هر زمان که با بحران روبرو میشوند برای اینکه سود حداکثر خود را نگهدارند میکوشند تا فشار بر طبقه کارگر را بیفزایند و لقمه دیگری از سفره غارت زده ای و بر باریند. افزایش شدت کار، تقیل تعداد کارگران، ترمز کردن دستمزدها کارگران در برابر افزایش قیمت ها هزینه زندگی، از شیوه هایی است که امپریالیست ها در چنین مواقعی بکار میبرند و این امر هر روز با صد ها هزار کارگر در مسالک امپریالیستی بنظواهرات و اختصایات نیرومند او میدارد.

امپریالیست ها همچنین میکوشند بار بحران ها را حتی بقدر بدوش کشورهای مستعمره و وابسته بیندازند. افزایش سرکشیج آبر بهای کالاها صنعتی، تحمیل قراردادهای ناهایر با بازگانی، ثابت نگهداشتن و یا حتی تنزل دادن قیمت مواد خام و فرآورده های مالک غیر صنعتی، و غیره ضربه بمنظور انتقال بحران بمسالك اخیر صورت میگیرد و این امر بنوعی خود موجب گسترش نهضت کارگری ضد امپریالیستی میگردد.

کشور ما که بدست محمدرضاشاه پزائنده امپریالیسم مبدل گشته و با هر عطسه امپریالیسم دچار تب و لرز میشود اکثر گرفتار عواقب بحران های جهان سرمایه داری است. چند ی پیش خبر دادند که کارخانجات نورد ایران - سازنده تیر - آهن و آهن آلات دیگر - بناچار تولید اسامال خود را از ۵۰ هزار تن به ۳۰ هزار تن تقیل داده و یک شیفت کار را در هر ۲۴ ساعت تعطیل کرده اند. و نیز خبر دادند که کارخانه های مهم دیگری هم مانند کارخانه روض نهانی در معرض همین خطر کاهش تولید اند. زیرا که قیمت های بین المللی بنحو عجیبی رو بترقی گذاشته و شرکت های بزرگ جهان از پرداخت تعهدات خود با شرایط پیشین سرباز زدند.

( تهران اکتوبیست ۱۶ تیر ) . روزنامه اطلاعات که زبان نفیسی دولت است بسختی نالید که " کشورهای بزرگ صنعتی با افزایش روز افزون بهای کالا های صادراتی خود، تعادل اقتصادی را در جهان بیازرنجه میکنند و اجازه نمیدهند - کشورهای که قدم در مرحله صنعتی شدن گذاشته اند بهای های صنعتی و اقتصادی برسند " ( ۱۵ مرداد ) .

اما این ناله و ناله های دیگر چیزی جز نیش خاکساران به درگاه خداوند گاران امپریالیسم نیست و هیئت حاکمه ایران - سرمایه داران وابسته با امپریالیسم در راه - از هم اکنون در این تدبیرند که چگونه مطالبات جهان امپریالیسم و منافع آمیزندانی خود را در ایران بر آورده سازند. و بدیهی است که راه دیگر جز کشیدن رقی زحمتکشان در برابر آنها وجود ندارد. «نظم نوین» پیشنهادی تهران اکتوبیست - مجله آرمخواران - نماینده همین راه است.

وی شرم ندارد از اینکه بنویسد: " سالها دستگاهایی مشول، خاصه وزارت کار... بجای آنکه روش بیطرفی را رعایت کند از کارگر طرفداری میکند! " و کارگران " بسرعت از مزایای توسعه مالک صنعتی برخوردار میشوند! " و " این روش نباید ادامه یابد! " ( ۳ شهریور ) .

این نوشته تهران اکتوبیست اگرچه در نظر خوانندگان عادی در حکم فکاهیات است اما دارای مفهومی بس جدی است و از بیورش جدید استثمارگران بر خلق زحمتکش باحکایت میکند.

منتخبات آثار ماو

جلد چهارم بزبان فارسی در دفتر توفان موجود است.

آنگت مجموعه داستانهائی از مبارزات گذشته.

بها: معادل ۳۰ ریال

درباره برخی از شیوه های کار در سازمان های توده ای

تحلیل طبقاتی نیست و از این جهت امپریونیستی است. این توضیح برای او مفهوم واقع کننده خواهد بود. ولی شاید در نزد فردی که با مسائل اجتماعی وجود طبقات و مبارزه طبقاتی آشنائی ندارد بصورت معما جلوه گر شود و هیچ تا " تیر ساعدی" بهار نیارود. پس باید راه ورود بذهن توده را یافت و از آن استفاده کرد.

مثال دیگر: حزب طبقه کارگر هیچگاه از تبلیغ ایمن حقیقت باز نمی ایستد که هر حکومتی دیکتاتوری طبقه ای یا طبقاتی است و حکومت فوق طبقات وجود ندارد. و نیز صراحتاً اعلام میدارد که در ایران هوادار استقرار دیکتاتوری کارگر و دهقان است. ولی ممکن است که همان سازمان توده ای که حکومت دموکراسی نوین را درک میکند و پی پذیرد شعار دیکتاتوری کارگر و دهقان را درک نکند و نپذیرد. در این صورت وظیفه نمایندگان حزب طبقه کارگر است که شکیائی کامل داشته باشند، بمفهوم توجه کنند، بآنچه توده رایك قدم به پیش میرد اهمیت دهند و از انجام بر سر تعبیرات بهره نزنند. اگر سازمان توده ای يك گام عملی در راه پیشرفت انقلاب بردارد به مراتب مهم تر از آن است که تمام قطعنامه های عمیق و اصولی حزب طبقه کارگر را در تصمیمات - کافذی - خود بگنجانند.

البته سازمان توده ای در مرز ثابتی متوقف نمیمانند بلکه به همراه نهضت انقلابی عموم خلق و بقتاسب تجربه و پختگی خود برای پذیرش شعارهای مایه دارتر و مبارزات قاطع تر آماده میشوند. همان ساز مان توده ای که يك روز فقط شعارهای صنفی داشت روز دیگر شعارهای سیاسی عموم خلق را می پذیرد و در راه آنها بمبارزه بر میخیزد. وظیفه نمایندگان حزب طبقه کارگر است که این تحول را بدرستی درک کنند و پیوسته در پیشاپیش توده ها بحرکت آیند. ولی انجام این وظیفه در عمل بسیار بفرنج است. چه بسا از فعالان و مبلغان که خود را و یا گروه معدودی از آگاه تران را با توده ها یکسان میکنند، تابع شور و شوق انقلابی خویش میشوند و واقعیت را فراموش میکنند و آنگاه ممکن است سازمان توده ای را به دوری از توده ها و ناتوانی در جلب آنها و بقیه در صفحه ۳

یکی از وظائف مهم اعضا حزب طبقه کارگر که در سازمان توده ای شرکت میکنند اینست که در صفوف مقدم دفاع از منافع توده قرار گیرند و با فد آکاری خود سرمشق دیگران باشند، سازمان توده ای را در مسیر انقلابی و بهنگامی با نهضت همگانی خلق رهبری کنند، مدافع منعی صحیح باشند و آن را از هرگونه انحراف چپ و راست، سازشکاری و اجراجوشی محفوظ بدارند، در گسترش همه جانبه سازمان توده ای بکوشند و آن را سرانجام به پیروزی برسانند.

اینکه چگونه باید نظریات و شعارها و منعی صحیح را به میان توده ها برد مسئله بسیار مهمی است که مقاله حاضر میخواهد برخی از جوانب آن را مورد بررسی قرار دهد.

نخست باید به بحث واقعا توجه بسیار داشت. هرگز نباید به افتخار افراد آگاه تر اکتفا کرد بلکه باید در سی جلب توده های عقب مانده و اکثریتی هرچه عظیم تر بود. البته در سازمان توده ای نیز تصمیمات بالاخره به اکثریت آراء اتخاذ میشود ولی این تفاوت بزرگ و اساسی میان سازمان توده ای و حزب طبقه کارگر را نباید از خاطر برد که سنگ بنای حزب طبقه کارگر مارکسیسم - لنینیسم است و هر عضو حزب قبلا با برنامه و اساسنامه موافقت کرده است، و حال آنکه سازمان توده ای در برگزیده آید تلوژی های گوناگون است و اساسنامه ساده دارد. از اینجهت برای آنکه منعی سازمان توده ای و شعارها و نظریاتش تکیه گاه محکمی داشته باشد و توده ها به آگاهی بالاتری نائل آیند بحث مداوم صبورانه و دلسوزانه لازم است.

در تشریح و اثبات نظریات و شعارها و منعی صحیح در هر سازمان توده ای باید بدنیال آنچنان بیانی گشت که برای آن توده قابل درک باشد. چه بسا که اگر قطعنامه منسجم حزب در باره مسئله ای عینا و بهمان شکل و عبارت به توده منتقل شود مفهوم نیفتد. از این جهت ابتکار در چگونگی انتقال قطعنامه یکی از دشواری های فعالان و مبلغان است. مثلا اگر در رد نظر رویزیونیست ها که بمنظور بی اعتبار ساختن مقاومت دلیرانه خلق کامبوج جنگ در کامبوج را " جنگ برادرکشی" اعلام میداد به عضو حزب توضیح داده شود که " تحلیل رویزیونیست ها

«فرمان انحلال مبارزه»!

این بار رویزیونیست های حزب توده ایران صریحا فریاد انحلال مبارزه صادر کردند. مجله پیکار که هدفش پیکار در کفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی است این فرمان را طی مقاله ای در باره " ککره" چهارم هم کفدراسیون آورده است. وی پس از فروپختن بارانی از دشنام و اتهام بر سر کفدراسیون، به تاءیبید این نظر سازمان اضیت و فرادی نظیر کوروش لاشائی میرد از که گردانندگان کفدراسیون آن را " بیک حزب خاص با ایدئولوژی خاص" بدل کرده اند و سپس برای اصلاح امر اظهار نظر میکند که اصولا " طرح مسائل سیاسی و ایدئولوژیک در کفدراسیون که منجر به موضع گیری آشکار دانشجویان مبارز میشود - و تظاهرات عینی ضد رژیم و نظائر آن " که " موجب شناخته شدن دانشجویان مبارز از طرف سازمان اضیت میگردد " باید متروک شود.

همه میدانند که توده دانشجویان لحاظ طبقاتی و ایدئولوژیک یک پارچه نیست و کفدراسیون که سازمان توده ای دانشجویی است دانشجویان را صرف نظر از تعلق طبقاتی و ایدئولوژیک آنها در زیر پرچم شعارهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک و صنفی خود متحد میکند. طرح هر مسئله - سیاسی و ایدئولوژیک در کفدراسیون تابع هدف کفدراسیون یعنی جلب هرچه بیشتر توده دانشجویان به مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک و صنفی است. شرط موفقیت کفدراسیون مانند هر سازمان توده ای دیگر افتخار توده هاست. و طبیعتا کفدراسیون باید پیوسته مراقب اندازه ارتقا سطح آگاهی و مبارزه جوشی توده های دانشجویان باشد و طوری حرکت کند که نه از آنها عقب بماند و نه در پیشروی خود از آنها منفرد گردد. اما رویزیونیست ها - بطوری که در مقاله فوق مشاهده میکنید - چیز دیگر میکنند. بمقدود آنها اصولا طرح مسائل سیاسی و ایدئولوژیک در کفدراسیون چون " منجر به موضع گیری آشکار دانشجویان مبارز میشود " غیر مجاز است. یعنی نه فقط مسائل ایدئولوژیک بلکه مسائل بقیه در صفحه ۳

ظفر مندیاد

جنگ عادلانه خلق های عرب

اکنون که این مقاله نوشته میشود شش روز از تجاوز بداد سراسر ائیل بر کشورهای عربی و از تعرض متقا بل ظفر مصر و سوریه میگذرد. چشم و کوش خلق های شیفته آزادی و استقلال بنشیند جزیره سینا و مرتفعات جولان سپرد شده است. با هر ضربه ای که ارتش خلق های مستعبد به عرب - بر راضین صهیونیست وارد می آورد قلب پمیرت مترقی از شور و شغالی می تپد. غوغای تبلیغات دروغین امپریالیست ها در میان فریاد خادی خلق ها کم میشود. در این که حقانیت و عدالت بسا کدام یک از طرفین کارزار است هیچکس تردید ندارد. همه میدانند که بنیاد دولت اسراییل بر اجتناف و ستعمری است. غضب مبین خلق فلسطین، آواز ساختن بیفرازیت میلیسین فلسطینی، حملت مکرر بر سرزمین های دیگری عربی و منجمله حمله راهزنان سه سال ۱۹۶۷ که با اغتال شبه جزیره سینا و مرتفعات جولان و سواحل اردن منجر شد بمباران ها و دستبردهای متوکل بر لبنان و سوریه و مصر، بجایان نشان داده است که این مخلوق امپریالیسم نفردیکر چیزی کوب خلق های خاور میانه و پاسداری از منافع استعمار ندارد. بر همه آشکار است که این مرتبه نیز فتنه انگیزی از جانب صهیونیست های اسراییلی است منتها این مرتبه دولت های عرب غافلگیر نند و بمقا بله با راهزن برخاستند.

شرفا ل پیش که صهیونیست های اسراییلی بچنگ ناشیستی غافلگیرانه بر ضد دولت های عربی دست زدند و قسمتی از خاک آنها را اغتال کردند ما هنا ماه توفان که نخستین شماره اش انتشار مییافت با شعار " پیروز یاد مرحله جدید مبارزه خلق های عرب بر توده امپریالیسم و ارتجاع " چنین شوه " پیکار در خاور میانه بی پایان نرسیده بلکه مرحله عملیتری را آغاز کرده است. و قایمسی در زندگی اعضا و ولت ها وجود دارد که میتوانند با آنها باندازه ماهها و سالها بقیه در صفحه ۳

پیروز باد جنگ توده ای خلق کامبوج